

ریشه های انقلاب شوم ۲۲ بهمن ۵۷

عصر روز ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات در شماره ۱۵۵۰۶ خود با چاپ مقاله ای با عنوان "ایران و استعمار سرخ و سیاه" که با تیتراژ قرمز و در دو ستون سمت چپ صفحه ۷ نشریه که مختص "نظرها و اندیشه ها" بود، توفانی به پا ساخت که این مقاله را به مهم ترین مقاله روزنامه های تاریخ مطبوعات ایران تبدیل نمود.

گروهی از مردم این مقاله را یکی از دلایل اولیه بروز انقلاب شوم ملایان می پندارند زیرا در متن یادشده پس از سالها از نام آیت الله خمینی یاد شده بود و چون به گونه ای بی نظیر به او که بعنوان یک رهبر روحانی برای قشر معینی از جامعه ایران بحساب می آمد، حمله شده بود، پس در نتیجه خشم مردم معتقد و پایبند به اصول مذهبی را برانگیخته است. در این مقاله از خمینی بعنوان مردی ماجراجو و بی اعتقاد و سرسپرده به مراکز استعماری یاد شده که چون در میان روحانیون عالی مقام کشور موقعیتی به دست نیاورده بود، در پی فرصت میگشت که به هر قیمتی هست خود را وارد ماجراهای سیاسی کند و اسم و شهرتی پیدا کند. در آنزمان در بین عوام و مردم کوچه و بازار نه هیچکس از خمینی نامی میبرد و نه کسی عقیده ای به نابودی رژیم قدرتمند پادشاهی بدست مشتاقی ملای عمده بسر داشت، از اینرو بعضی براین باورند که ذکر نام خمینی برای اولین بار و پس از سالها در یک روزنامه معتبر کشور همراه با اهانت های ذکر شده جرعه اولیه انقلاب را روشن نموده است.

در این مقاله نگارنده یا نگارندگان آن موسوم به "احمد رشیدی مطلق" ذکر شده است که بعلت اهمیت بیش از حد این مقاله وارده " (از لحاظ سانسور و اجازه نشر) هرگز معلوم نشد آیا این فرد واقعا یک فرد عادی بوده که نظر خود را ذکر نموده و یا فرد یا افرادی از سازمانهای دولتی و امنیتی که پشت یک نام مستعار و مجهول الهویه اقدام به این عمل نموده است.

نکته قابل توجه اینکه هم اکنون با گذشت قریب به ۲۷ سال از انقلاب شوم سال ۱۳۵۷ میتوان برداشت صحیح تر و روشن تری از این مقاله نمود و عامل اصلی سیاه ترین سالهای تاریخ معاصر ایران را بهتر شناخت. توجهی که اگر مردم در زمان چاپ این مقاله با فکر و اندیشه ای باز به آن مبذول میداشتند امروز

شاید سرنوشت و آینده دیگری برای خود رقم میزدند.

در اینجا متن کامل این مقاله جنجال برانگیز را عینا برایتان چاپ میکنیم تا بار دیگر پس از گذشت سالها و تحمل سخت ترین وقایع تاریخی معاصر که بر کشورمان گذشته است با خواندن آن قضاوتی دوباره در مورد آنچه ۲۷ سال قبل بر ایران و ایرانی گذشت داشته باشیم.

لازم بیادآوریم که در متن این مقاله بکرات از انقلاب سفید شاه و مردم تنها بنام "انقلاب ایران" یادشده که امروزه جهت جلوگیری از اشتباه و یا سؤ تفاهم خوانندگان جوانترمان بین انقلاب شاه و مردم با انقلاب شوم سال ۵۷، در برابر واژه انقلاب، کلمه (سفید) را در داخل پرانتز اضافه نموده ایم.

ایران و استعمار سرخ و سیاه

احمد رشیدی مطلق

این روزها به مناسبت ماه محرم و عاشورای حسینی بار دیگر اذهان متوجه استعمار سیاه و سرخ یا به تعبیر دیگری اتحاد استعمارگر کهن و نو شده است.

استعمار، سرخ و سیاهش، کهنه و نویش روح تجاوز و تسلط و چپاول دارد و با اینکه خصوصیت ذاتی آنها همانند استعمار خلیج کم اتفاق افتاده است که این دو استعمار شناخته شده تاریخ با یکدیگر همکاری نمایند مگر در موارد خاصی که یکی از آنها همکاری نزدیک و صمیمانه و صادقانه هر دو استعمار در برابر انقلاب (سفید) ایران به خصوص برنامه مترقی اصلاحات ارضی در ایران است.

سرآغاز انقلاب شاه و ملت در روز ششم بهمن ماه ۲۵۲۰ شاهنشاهی ۱۳۴۰ (ش) استعمار سرخ و سیاه ایران را که ظاهرا هر کدام در کشور ما برنامه و نقشه خاصی داشتند با یکدیگر متحد ساخت که مظهر این همکاری صمیمانه در بلوای روزهای پانزدهم و شانزدهم خردادماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲) ش) در تهران آشکار شد.

پس از بلوای شوم پانزدهم خرداد که به منظور متوقف ساختن و ناکام ماندن انقلاب (سفید) برپا شد، همگان با نوعی سردرگمی عجیبی روبرو شده بودند زیرا در یکجا رد پای استعمار سیاه و در جای دیگر اثر انگشت استعمار سرخ در این غائله بوضوح دیده می شد. از یک سو عوامل توده ای که با اجرای برنامه اصلاحات ارضی همه امیدهای خود را برای فریفتن دهقانان و ساختن (انجمن های دهقانی) نقش بر آب می دیدند در برابر انقلاب (سفید) دست به آشوب زدند و از سوی دیگر مالکان بزرگ که سالیان دراز میلیون ها دهقان ایرانی را غارت کرده بودند به امید شکستن این برنامه و رجعت به وضع سابق دست و پول در دست عوامل توده ای ورشکستگان دیگر سیاسی گذارده بودند و جالب اینکه این دسته از کسانی که باور داشتند می توانند چرخ انقلاب (سفید) را از حرکت باز دارند و اراضی

بقیه در صفحه ۱۹

صادقانه در اختیار توطئه گران و عناصر ضد ملی بگذارند. برای ریشه یابی از واقعه پانزده خرداد و نقش قهرمان آن توجه به مفاد يك گزارش و يك اعلامیه و يك مصاحبه كمك مؤثر خواهد کرد. چند هفته قبل از غائله ۱۵ خرداد گزارشی از طرف سازمان اوپك منتشر شد که در آن ذکر شده بود (درآمد دولت انگلیس از نفت ایران چند برابر مجموع پولی است که در آن وقت عاید ایران می شد) . . .

چند روز قبل از غائله، اعلامیه ای در تهران فاش شد که يك ماجراجوی عرب بنام (محمد توفیق النفیسی) با يك چمدان محتوی ده میلیون ریال پول نقد در فرودگاه مهرآباد دستگیر شده که قرار بود این پول در اختیار اشخاص معینی گذارده شود. چند روز پس از غائله نخست وزیر وقت در يك مصاحبه مطبوعاتی فاش کرد: " برما روشن است که پولی از خارج می آمده و به دست اشخاصی می رسیده و در راه اجرای نقشه های پلید بین دستجات مختلف تقسیم می شده است ". خوشبختانه انقلاب (سفید) ایران پیروز شد و آخرین مقاومت مالکان بزرگ و عوامل توده ای درهم شکسته شد و راه برای پیشرفت و تعالی و اجرای اصول عدالت اجتماعی از دشمنان ملت ایران باقی خواهد ماند و میلیون ها مسلمان ایرانی به خاطر خواهند آورد که چگونه دشمنان ایران هر وقت منافعشان اقتضا کند با یکدیگر همدست می شوند، حتی در لباس مقدس و محترم روحانی . □

واگذار شده به دهقانان را از دست آنها خارج سازند دست به دامن عالم روحانیت زدند. زیرا می پنداشتند که مخالفت عالم روحانیت که در جامعه ایران از احترام خاص برخوردار است می تواند نه تنها برنامه انقلاب (سفید) را دچار مشکل سازد بلکه همانطور که یکی از مالکان بزرگ تصور کرده بود (دهقانان زمین ها را به عنوان زمین غصبی پس بدهند!) ولی عالم روحانیت هوشیارتر از آن بود که علیه انقلاب شاه و ملت که منطبق با اصول و تعالیم اسلامی و به منظور اجرای عدالت و موقوف شدن استثمار فرد از فرد توسط رهبر انقلاب ایران طراحی شده بود برخیزد. مالکان که برای ادامه تسلط خود همواره از ژاندارم تا وزیر، از روضه خوان تا چاقوکش را در اختیار داشتند وقتی با عدم توجه عالم روحانیت و در نتیجه مشکل ایجاد موج علیه انقلاب روبرو شدند و روحانیون برجسته حاضر به همکاری با آنها نشدند درصدد یافتن يك "روحانی" برآمدند که مردی ماجراجو، بی اعتقاد و وابسته و سرسپرده به مراکز استعماری و بخصوص جاه طلب باشد و بتواند مقصود آنها را تامین نماید و چنین مردی را آسان یافتند. مردی که سابقه اش مجهول بود و به قشری ترین و مرتجع ترین عوامل استعمار وابسته بود و چون در میان روحانیون عالی مقام کشور با همه حمایت های خاص موقعیتی به دست نیاورده بود در پس فرصت میگشت که به هر قیمتی هست خود را وارد ماجراهای سیاسی کند و اسم و شهرتی پیدا کند.

روح الله خمینی عامل مناسبی برای این منظور بود و ارتجاع سرخ و سیاه او را مناسب ترین فرد برای مقابله با انقلاب ایران یافتند و او کسی بود که عامل واقعه ننگین روز پانزده خرداد شناخته شد.

روح اله خمینی معروف به (سید هندی) بود، درباره انتصاب او به هند هنوز حتی نزدیک ترین کسانش توضیحی ندارند. به قولی او مدتی در هندوستان بسر برده و در آنجا با مراکز استعماری انگلیس ارتباطاتی داشته است و به همین جهت بنام (سید هندی) معروف شده است. قول دیگر این بود که او در جوانی اشعار عاشقانه میسروده و به نام (هندی) تخلص میکرده است و به همین جهت بنام هندی معروف شده است. و عده ای هم عقیده دارند که چون تعلیمات او در هندوستان بوده فامیل هندی را از آن جهت انتخاب کرده است که از کودکی تحت تعلیمات يك معلم بوده است.

آنچه مسلم است شهرت او بنام غائله ساز پانزده خرداد بخاطر همگان مانده است. کسی که علیه انقلاب ایران و بمنظور اجرای نقشه استعماری سرخ و سیاه کمر بست و بدست عوامل خاص و شناخته شده علیه تقسیم املاک، آزادی زنان، ملی شدن جنگل ها، وارد مبارزه شد و خون بیگناهان را ریخت و نشان داد هستند هنوز کسانی که حاضرند خود را



دفتر معاملات

ملکی

١٧٧١ ٧٧٧١

خرید و فروش، اجاره املاک
و زمین با سابقه چندین ساله.

دفتر شادمانی

معرفی خوانندگان و نوازندگان

داخلی و خارجی برای مجالس

شادمانی شما عزیزان

برای کسب اطلاع بیشتر با تلفن

های زیر تماس بگیرید:

تلفن: 052-8793191 (موشه توکلی)

تلفن: 052-8422957 (جاوید شرف)

خنده سرا



جوک های ترکی...

ترکه میخواستہ برہ بهشت زہرا، گل گیرش نمیاد
کمپوت می برہ!!!

ترکه به رحمت خدا يك دونه موهم تو كلش نبوده .
يك روز میره سلمونی ، ملت همه پوزخند میزن ،
میگه : چیه؟ اوادم آب بخورم .

ترکه سوار هواپیما میشه ، میشینه کنار دست يك پیر
مردہ . خلاصه سر صحبت باز میشه و این دو تا نسبتا
با هم رفیق میشن . وسطای راه ، يك مهمون دار میاد
از پیرمردہ میپرسه ، پدر شما شکلات میل دارید؟
پیرمردہ میگه : نه خیلی نمون ، من بواسیر دارم .
مهمون داره از ترکه میپرسه : شما چی؟ ترکه میاد
تریپ رفاقت بگذاره میگه : نه مرسی . این رفیقمون
بواسیر داره ، با هم میخوریم!!!

ترکه داشته تو یه مجلس میخونده : "میخوام که با بوسه
گل لبانو پرپر کنم . . . " یهو بسیجی ها میریزن تو ادامه
میده : " این گل پرپر شده رو هدیه به رهبر کنم " .

ترکه پشت ماشینش مینویسه : "یا زهرا یا هیچکس" .

ترکه میره ماه غسل ، یادش میره زنش رو ببره!

ترکه ساندویچ فروشی داشته ، يك روز يك بابائی
میاد میگه : قربون يك ككتل بده فقط بی زحمت توش
گوچه نذار .

ترکه میگه : آقا امروز اصلا گوچه نداریم ، میخوای
خیارشور نذارم؟

به ترکه میگن چند تا بچه داری؟ میگه ۲ تا . می
پرسن : کدومش بزرگتره؟ میگه : خوب اولیش .

از ترکه میپرسن آرزوت چیه؟ میگه : کاشکی تبریز
پایتخت بود . میگن چرا؟ میگه : آخه اون وقت به ما
میگفتن بچه تهرول! .



سردار سینه کفتري
فرمانده محترم ارتش مفتخور ۲۰ میلیونی بسج

حجت الاسلام حسنی امام جمعه یاوه گوی رضائیه در مراسم
نماز جمعه این شهر گفت :

" آن کسانی که میگن ما عقب افتاده ایم و خارجه از ما
پیشرفته تره ، احمقند . آنها نمی دانند که ما در قرن ۱۴ قمری
هستیم و آنها در قرن ۲۱ میلادی ، یعنی ۷ قرن از ما جلوتر .
آیا وقتی آنها مثل ما در قرن ۱۴ بودن ، از الان ما جلوتر بودن؟
لاکن ، ما در آینده از آنها جلو می زنیم ، چون یکسال قمری ،
از سال آنها (خورشیدی) کوتاهتره . مگر نمی بینید که هر
سال ماههای اسلامی مثل : محرم ، رمضان . . . در زمان
سال قبل نمی افتد و گاهی مثل ماه مبارک رمضان در تابستان
است و گاهی در زمستان و یا فصلی دیگر . الله به ما یاری می
دهد و چون سالهای ما کوتاهترند ، هر سال چند روز جلو می
افتیم و در آینده ، نوه های ما ، نه فقط به قرن خارجیهما می
رسند ، لاکن ، بعد از آنها هم ، جلو هم می زنن و آنوقت
بینم کی پیشرفته تره . الله همه جا مسلمانان را یاری میکنه "

مردی به سر برج ساختمانی رفته بود هی اطراف را نگاه
میکرد . دوستش او را دید و پرسید : چرا سر برج وایسادی؟
گفت : آخه شنیدم سر برج حقوق میدن .